

استراتژی دفاع متحرک عراق (اهداف و مقاصد دشمن)

آرشیو مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

اشاره سقوط فاو ضربه بسیار شدیدی بر پیکر ارتش عراق بود. با از دست دادن شبه جزیره فاو ارتش این کشور متوجه شد که فرو رفتن در لاک دفاعی می تواند موجب غافلگیری نیروها و تحمل تلفات سنگین شود. به ویژه اینکه ضربه عملیات والفجر ۸ تاثیر بسیار منفی ای بر روحیه ارتش عراق و کشورهای حامی بغداد گذاشته بود. عراق به منظور جبران بخشی از شکست خود در فاو، بازسازی روحی-روانی نیروهای مسلح و افکار عمومی، خارج شدن از انفعال و به دست گرفتن ابتکار عمل، تجزیه بیشتر توان سپاه پاسداران و جلوگیری از انجام عملیات از سوی این نیرو، استراتژی دفاع متحرک را در دستور کار خود قرار داد. براساس این استراتژی، نیروهای عراقی در سراسر جبهه ها، خطوط پدافندی ایران را مورد شناسایی قرار داده و در مناطق آسیب پذیر به آنها حمله می کردند. تا اهداف مورد نظر را تأمین نمایند. این استراتژی با حمله عراق به منطقه عملیاتی والفجر ۹ در چوارتا در ۱۶ اسفند ۱۳۶۴ شروع و در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۵ و با اشغال مهران به اوج خود رسید و با بازپس گیری مهران از سوی ایران کاملاً متوقف، و شکست خورد. گزارش ذیل اهداف و مقاصد عراق از این استراتژی و سیر تحولات آن را تشریح می کند.

انجام عملیات محدود را ابلاغ کرد تا در مناطقی که اهمیتی نسبی داشتند، خطوط پدافندی ما را شناسایی کنند و در نقاط ضعیف و قابل رخنه به عملیات بپردازند.

حرکت جدید دشمن که بعد از بازپسگیری منطقه چوارتا از تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۶ آغاز شد، تا تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۷ یعنی اشغال مهران به اوج رسید و با ضربه سختی که در جریان آزادسازی مهران و ارتفاعات استراتژیک آن منطقه متحمل شد، پایان یافت. در این تحرکات، دشمن افزون بر تعقیب هدف، به نتایج زیر نیز می اندیشید و آنها را در زمره اهداف خود قرار داده بود: (۱) زمین گیر کردن توان تهاجمی یگانهای خودی، به ویژه جلوگیری از سازمان دهی، تجمع و آمادگی نیروها برای انجام عملیات گسترده آینده و در نهایت، جلوگیری از ادامه جنگ؛ (۲) به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ و تعیین نقطه و نوع نبرد؛

به دنبال شکست تلاشهای پی در پی دشمن برای بازپس گیری منطقه والفجر ۸ و روشن شدن این مسئله، که در شرایط موجود، احتمال موفقیت این پاتکها بسیار اندک است، رژیم عراق ابتکار تازه ای به نام استراتژی دفاع متحرک را به کار گرفت تا ضمن جبران بخشی از شکست سیاسی و ضربات روانی عظیمی، که متحمل شده بود، از انفعال ناشی از عملیاتهای ما خارج شده و به نوعی، ابتکار عمل را در جبهه ها به دست گیرد. بدین منظور با توجه به موفقیتی که در بازپسگیری منطقه والفجر ۹ (منطقه چوارتا) به دست آورده بود و نیز اطلاعاتی که از خطوط پدافندی ما داشت، از جمله اینکه می دانست یگانهای اصلی سپاه برای دفاع از دستاوردهای عملیات والفجر ۸ در این منطقه متمرکز شده اند، به سپاههای مستقر در سراسر جبهه ها مأموریت

البته، فقط ضعف روحیه نیست، بلکه ضعیف هم شده است، امکانات سازمانی اش دستش نیست، یعنی توپخانه ندارد^۱ سرهنگ موسوی نیز اظهار کرده است: «آزاد کردن یگانهایی برای آفند، خودبه خود این خطر را که خط ما آسیب پذیر می شود، به دنبال داشت، برای نیروی زمینی آزاد کردن این قدر یگان (لشکر ۸۱ زرهی، لشکر ۷۷ خراسان، لشکر ۳۰ گرگان، لشکر ۲۱ و تیپ ۵۵) کار ساده ای نبوده است»^۲. از طرف دیگر، محدودیت توان سپاه اجازه گسترش نیرو در تمامی خطوط پدافندی را نمی داد و همین محدودیت باعث شد که نتوانیم با فاصله زمانی کوتاهی از عملیات والفجر ۸، عملیات گسترده دیگری انجام دهیم تا توان اصلی دشمن را در یک منطقه زمین گیر کنیم و از حالت انفعالی بیرون آییم. فرمانده کل سپاه محدودیت توان، زیانهای این محدودیت و علل آن را در جمع مسئولان نیروی زمینی سپاه و نیروی زمینی ارتش چنین بیان می کند: «در حال حاضر، عراق فهمیده که توان ما چقدر است، از نظر نظامی، در فاو هدف دشمن کسب زمان است. ما نیز کسب زمان می کنیم تا بلافاصله، حمله کنیم، اما با کدام قرارگاه؟ با کدام فرمانده؟ با کدام گردان؟ با کدام تشکیلات؟ دیگر [امکاناتی] نداریم. دشمن نیز این را می فهمد، یعنی تمام دنیا این ارزیابی را می کند و می گویند اگر اینها (ما) توان داشتند، حتماً ام القصر را گرفته بودند. اکنون، دیگر توان ما دستشان آمده است [و در حال حاضر] دیگر اینکه دشمن بفهمد ما می خواهیم کجا حمله کنیم و آمادگی داشته باشد، اصلاً مطرح نیست، او مطمئن است که با یک حرکت تمام نیروهای ما زمین گیر می شوند. آنها دیگر احتیاجی ندارند، بدانند که ما از کجا حمله خواهیم کرد، عراق مطمئن است که ما توان حمله نداریم، یعنی دشمن ارزیابیهای استراتژیک می کند. البته، چهار، پنج سال است که ما نیز این ارزیابیها را می کنیم، اما کسی توجه نمی کند. با توجه به اهمیت منطقه والفجر ۸ که حفظ آن توان زیادی را می طلبد و افزون بر آن، پدافند مناطق مهمی، مانند هور و جزیره جنوبی و نقاطی از غرب که به عهده سپاه است، یگانهای سپاه غالباً در دو، سه منطقه خط پدافندی دارند و از امکان گسترش بیش از این برخوردار نیستند»^۳.

۳) کسب زمان برای بازسازی و بالابردن توان رزمی خود؛
 ۴) بهره برداری تبلیغاتی و برقراری و حفظ موازنه سیاسی در جنگ؛
 ۵) روحیه بخشیدن به ارتش شکست خورده و مردم عراق؛
 ۶) جلوگیری از مایوس شدن دنیا از توانایی ارتش و رژیم بعث عراق؛
 ۷) تضعیف جبهه مهم فاو برای ضربه زدن به این خط در موقعیت مناسب؛
 ۸) تسلط بر سلسله از نقاطی مهم و ترمیم خطوط پدافندی و به دست آوردن موقعیت مناسب دید و تیر برای کاستن از اضطرابهای خود و صرفه جویی در نیرو و امکانات؛ و
 ۹) گرفتن اسیر برای تبلیغات و همچنین، کسب اطلاعات در مورد خطوط پدافندی، عملیات محدود و گسترده.

عوامل موفقیت‌های دشمن در حرکت جدید

۱) ضعف خطوط پدافندی خودی: پس از عملیات بیت المقدس، دشمن در زمین حالت پدافندی به خود گرفت و تا والفجر ۸ عملیات تهاجمی نداشت. بدین ترتیب، خطوط پدافندی غیر فعال خودی بر اثر گذشت زمان فرسوده، خاکریزها و استحکامات آنها سست شدند و اقدامی برای تحکیم و ترمیمشان، که بیشتر از سوی برادران ارتش پدافند می شد، انجام نگرفته بود.
 ۲) آماده نبودن نیروهای پدافند کننده: عدم تحرک دشمن پیش از عملیات والفجر ۸ در خطوط پدافندی آرامش و سکوت طولانی ای را در این خطوط باعث شده بود و آمادگی رزمی نیروهای پدافند کننده را که تقریباً تمامی آنها از برادران ارتشی بودند، کاهش داده بود. فرماندهان آنها نیز غالباً به این مسئله توجهی نداشتند و به علت عدم سرکشی، بیشتر اوقات از وضعیت خطوط خود بی اطلاع بودند. جای گزین نشدن تجهیزات انهدامی یگانها، خارج شدن توپخانه و یگانها از نقاط پدافندی از علل دیگر ضعف نیروهای پدافند کننده و شکسته شدن خطوط پدافندی آنها محسوب می شود. سرهنگ صیاد شیرازی در این مورد گفته است: «نیازی به اعتراف ندارد که نیروی زمینی ارتش وضعیت ضعیفی دارد.

زمین گیر کردن توان تهاجمی یگانهای ایران و جلوگیری از سازماندهی و آمادگی آنها برای انجام عملیات گسترده در آینده، از اصلی ترین اهداف رژیم عراق برای انتخاب استراتژی دفاع متحرک بود

جدید عراق به اوج خود رسیده و در ۱۳۶۵/۲/۲۷ به مهران حمله و آن را به اشغال خود در آورده است.

افزون بر مسئله نیرو، مشکل کمبود امکانات و مهمات از مشکلات اساسی یگانهای سپاه است. هنوز جای گزینی وسایل و تسلیحات منهدم شده و مهمات مصرفی در عملیات والفجر ۸ که بیشتر توان یگانها را گرفت، امکان پذیر نشده است. تمامی فرماندهان و مسئولان یگانها از کمبود امکانات و مهمات ناراضی اند و مقدم بر همه، کمبود وانت تویوتا و مهمات خمپاره و ادوات است.

۳) سازمان دهی و توان دشمن: توان سازمان دهی و گسترش نیرو از سوی دشمن مسئله ای بود که مسئولان سپاه آن را یکی از علل اصلی توانایی دشمن در شکستن خطوط پدافندی و موفقیت در تحرکات اخیر می دانند. مسئول اطلاعات نیروی زمینی سپاه برآورد توان دشمن را در جلسه ستاد خاتم چنین ارائه می کند:

«جمع کل نیروهای ارتش عراق ۵۸۰ گردان پیاده و ۱۵۰ گردان تانک و نفربر برآورد شده است که حدود ۶۰ گردان از نیروهای پیاده را جاشهای شمال عراق یا نیروهای جیش الشعبی تشکیل می دهند و بقیه، یعنی ۵۲۰ گردان نیروهای سازمانی اند که هویت آنها گردان به گردان برای ما مشخص است. از مجموعه این نیروها، دشمن ۳۴۷ گردان پیاده و ۶۱ گردان تانک و نفربر در خط دارد، همچنین، از ۶۴ گردان پیاده و ۶۱ گردان تانک و نفربر به عنوان احتیاط

فرمانده نیروی زمینی سپاه طی گزارشی در جلسه ستاد خاتم پس از بیان استعداد تک تک یگانهای سپاه و خطوط پدافندی آنها، چنین اظهار نظر می کند:

«در جبهه غرب، ۲۷ گردان، در جبهه میانی، ۲۶ گردان و در جبهه جنوب ۴۳ گردان سپاه پدافند می کنند. این مجموعه نیرویی است که از سپاه در پدافند است، اگر بخواهیم وضعیت نیرو را حساب کنیم برای پدافند به ۹۶ گردان نیاز داریم. اگر عراق بخواهد به این وضع (استراتژی دفاع متحرک) ادامه دهد، ۹۹ گردان نیز برای مقابله با آن لازم است، در فاو نیز، دست کم، به ۸۰ گردان نیروهای دائمی برای پدافند نیاز داریم. بدین ترتیب، در مجموع، حدود ۲۸۰ گردان لازم است؛ بنابراین، باید روند اعزام نیروها به صورتی باشد که هر سه ماه، ۲۸۰ گردان نیروی رزمی، یعنی ۲۵۰ هزار نفر، برای ما فرستاده شود»^۴.

بنابر اظهارات مزبور، برای اینکه خطوط پدافندی از تعرض دشمن مصون بماند و دفاع متحرک صدام شکست بخورد، به ۲۸۰ گردان رزمی نیاز است. این در حالی است که برادر شمخانی در قسمت دیگر این گزارش، مجموعه گردانهای آزاد (گردانهایی که مأموریت پدافندی ندارند) تمامی یگانهای سپاه را ۳۱۱ گردان اعلام می کند که با ۹۶ گردانی که مشغول پدافند در نقاط مهم اند، در واقع، کمتر از نصف نیروهای لازم برای جلوگیری از شکستن خطوط پدافندی در اختیار سپاه است. این وضعیت در شرایطی است که حرکت



حمله کند، چهار دموکرات را به خانه های فلان روستا می فرستد تا بگویند عراق قصد حمله دارد. ماهمین را مبنای حمله می گیریم و دستور تجمع نیرو می دهیم یا کافی است در یک نقطه میدان مین باز کند یا تجمع نیرو دهد، آن وقت ما، آن را علامت یک حمله تصور می کنیم، حال آنکه هیچ یک از اینها، به تنهایی از قطعیت اجرای یک عملیات حکایت نمی کند.^۴

همچنین، وی در سمینار مسئولان نیروی زمینی، قرارگاهها و یگانها در این مورد اظهار کرد:

محلی برخوردار است و حدود ۸۰ گردان پیاده و ۱۸ گردان تانک و نفربر در حال بازسازی اند.^۵

برادر شمشانی در همین جلسه، میزان گردانهای آزاد دشمن را ۹۰ گردان پیاده و ۲۰ گردان تانک و نفربر ذکر می کند و می گوید: «در حال حاضر، این تعداد نیرو آزادند و دشمن می تواند آنها را هر کجا بخواهد به کار گیرد». برادر باقری با توجه به توان دشمن و قدرت بازسازی و سازمان دهی نیروهایش و همچنین، با توجه به روندی که حملات دشمن طی ۲/۵ ماهه اخیر (از اواسط اسفند ماه تا اواخر اردیبهشت ماه

برای مقابله با استراتژی جدید عراق تعدادی از فرماندهان سپاه اعتقاد داشتند آفند بهترین پدافند است چرا که تلفات آن کمتر است و نیز اتخاذ استراتژی پدافندی خطر انفعال نیروهای بسیجی را به دنبال خواهد داشت

«اگر مجموعه تلکسهای که در ارتباط با تحرکات دشمن به نوعی خواهان واکنش ما بوده است، بررسی شود، می توان دید که پنج برابر توان کنونی سپاه نیز توان پاسخ گویی به این درخواستها و توقعات را ندارد؛ موضوعی که از ضعف اطلاعاتی ناشی می شود. دشمن یک سیم خاردار را برمی دارد و ما آن را دال بر حمله می گیریم، دشمن یک تجمع نیروی واقعی یا فریب می دهد و ما آن را دلیلی بر عملیات می گیریم، پناهنده می فرستد، ما آن را دلیل بر حمله سریع عراق در آینده می گیریم. مجموعه اقدامات دشمن توان تصمیم گیری را از ما سلب کرده است و اگر به این شکل ادامه دهیم، بهترین مینا برای فعال شدن دشمن و منفعل شدن ما فراهم شده است.»^۹

از طرف دیگر، دشمن طی چندین سال جنگ کوشید تا به شکلهای مختلف توان اطلاعاتی خود را بالا ببرد، به ویژه پس از آزادی خرمشهر که حالت پدافندی به خود گرفت و برای جلوگیری از شکستن خطوط خود و ناکام ماندن حملات ما به اطلاعات کافی و دقیق از وضعیت جبهه های ما نیاز داشت و به همین دلیل، تمامی امکانات خود را در این زمینه به کار گرفت.

۵) عامل اعتقاد: اگر وجود یکی از دو عامل زور (به صورت سیستم تشویق و تنبیه، آنچنان که در ارتش عراق وجود دارد) یا اعتقاد (عشق به جهاد و شهادت در راه خدا) ضروری و لازمه تحمل فشارها و سختیهای جنگ و مقابله با دشمن باشد، می توان گفت که در نیروهای ارتشی پدافندکننده در خطوط تصرف شده از سوی دشمن، هیچ یک از این دو عامل وجود

سال ۱۳۶۵) داشته است، نتیجه گیری می کند:

«دشمن می تواند طی یک ماه، چهار عملیات محدود، در حد هشت تاده گردان و یک عملیات نیمه وسیع در حد سی گردان را انجام دهد و توانایی آن را دارد که این کار را ادامه دهد، با توجه به امتیازات و اهدافی که این عملیات برای دشمن داشته است، متصور نیست که این روش را قطع کند و حتماً به این کار ادامه خواهد داد، ضمن آنکه توان تکرار این تکرار دارد.»^۶

توان بازسازی عراق به حدی بود که دشمن ظرف دو ماه می توانست تمام تلفات دو ماهه گذشته خود را بازسازی کند.^۷

۴) ضعف اطلاعاتی خودی و توان دشمن در این زمینه: با وجود اینکه مناطق احتمالی حمله دشمن برای فرماندهان نظامی مشخص بود، اما تحرک زیاد نیروهای دشمن، که در غالب مناطق پدافندی به صورت طرح فریب علیه ما اجرا می شد و فقدان اطلاعات کافی و دقیق از دشمن موجب شد که فرماندهی نیروهای خودی نتواند تصمیم لازم را برای مقابله با حملات دشمن بگیرد. بدین ترتیب، فقدان اطلاعات کافی، شکسته شدن خط خودی و در انفعال قرار گرفتن مادر مقابله با دشمن را باعث شد. فرمانده نیروی زمینی سپاه این ضعف را چنین بیان می کند:

«توان اطلاعاتی ما از دشمن، تنها به میزانی است که با چشم می بینیم یا از طریق دستگاه شنود می شنویم و این شاید ۲۵ درصد یک کار اطلاعاتی است و ما ۷۵ درصد نسبت به تحرک دشمن کوریم. به همین دلیل، دشمن هنگامی که می خواهد نیروی ما را در نقطه ای جمع کند و در نقطه دیگری

نداشته است و وجود عناصر حزب الهی ارتش در رده های مختلف به معنای وجود فرهنگ رایج و غالب نیست؛ بنابراین، عدم مقاومت در مقابل دشمن و حتی عقب نشینی پیش از برخورد، چندان غیر منتظره نمی نمود، همان گونه که در عمل، نیز چنین وضعیتی مشاهده شد.

از طرف دیگر، وجود اعتقاد در برادران بسیجی و سپاهی باعث شد تا آنها در برابر حمله دشمن به خطوط پدافندی خود، مقاومت بسیار شدیدی نشان دهند و دشمن را شکست دهند. حملات تقریباً مداوم دشمن به جزیره جنوبی در منطقه هور نمونه ای از این حمله هاست. نمونه هایی از هر دو نوع برخورد با دشمن در شرح تکمیلی عراق در دفاع متحرک خواهد آمد.

البته، سیستم و روشهای موجود در ارتش نیز مشکل را تشدید کرده است. برای نمونه، در مباحث ستاد خاتم در مورد عقب نشینی نیروهای ارتش از منطقه والفجر ۹، مسئولان ارتش معتقد بودند که فرمانده گردان باید با خط مقدم سه کیلومتر فاصله داشته باشد (استاندارد نظام کلاسیک)، در حالی که برادران سپاه می گفتند، نه تنها فرمانده گردان، بلکه فرمانده تیپ و لشکر نیز، هنگام درگیری و عملیات باید در خط حضور داشته باشند.^{۱۱} نقل قول یکی از مسئولان نیروی زمینی ارتش از سوی برادر غلامپور، بازگو کننده نکته دیگری در این زمینه است: سرهنگ قرائی گفت: «نیروی مستقر در خطوط پدافندی در حد پاسدار رزمی است که وظیفه آنها این است که از دشمن خبر بگیرند و در مواقع تک دشمن، خبر

نداشته است و وجود عناصر حزب الهی ارتش در رده های مختلف به معنای وجود فرهنگ رایج و غالب نیست؛ بنابراین، عدم مقاومت در مقابل دشمن و حتی عقب نشینی پیش از برخورد، چندان غیر منتظره نمی نمود، همان گونه که در عمل، نیز چنین وضعیتی مشاهده شد.

از طرف دیگر، وجود اعتقاد در برادران بسیجی و سپاهی باعث شد تا آنها در برابر حمله دشمن به خطوط پدافندی خود، مقاومت بسیار شدیدی نشان دهند و دشمن را شکست دهند. حملات تقریباً مداوم دشمن به جزیره جنوبی در منطقه هور نمونه ای از این حمله هاست. نمونه هایی از هر دو نوع برخورد با دشمن در شرح تکمیلی عراق در دفاع متحرک خواهد آمد.

البته، سیستم و روشهای موجود در ارتش نیز مشکل را تشدید کرده است. برای نمونه، در مباحث ستاد خاتم در مورد عقب نشینی نیروهای ارتش از منطقه والفجر ۹، مسئولان ارتش معتقد بودند که فرمانده گردان باید با خط مقدم سه کیلومتر فاصله داشته باشد (استاندارد نظام کلاسیک)، در حالی که برادران سپاه می گفتند، نه تنها فرمانده گردان، بلکه فرمانده تیپ و لشکر نیز، هنگام درگیری و عملیات باید در خط حضور داشته باشند.^{۱۱} نقل قول یکی از مسئولان نیروی زمینی ارتش از سوی برادر غلامپور، بازگو کننده نکته دیگری در این زمینه است: سرهنگ قرائی گفت: «نیروی مستقر در خطوط پدافندی در حد پاسدار رزمی است که وظیفه آنها این است که از دشمن خبر بگیرند و در مواقع تک دشمن، خبر

از جمله هدفهای ارتش عراق در استراتژی دفاع متحرک، تسلط بر نقاط مهم و به دست آوردن موقعیت مناسب دید و تیر برای کاستن از اضطراب نیروهای خود و صرفه جویی در نیرو و امکانات بود

دهند که نیروها عقب بیایند. آنها که ماندند و کشته و اسیر شدند کار اشتباهی کرده اند، باید عقب می آمدند».^{۱۱}

واکنشهای خودی و تدابیر اتخاذ شده

هر چند هجوم دشمن به منطقه والفجر ۹ و بازپسگیری آن و حتی حمله به منطقه والفجر ۴ در تاریخ ۱۳۶۵/۸ بروز

ارتش

مسئولان نیروی زمینی ارتش غالباً معتقد بودند که در شرایط کنونی، باید پدافند کنیم؛ زیرا، عراق با نیروهای سازمان یافته و احتیاطی که در تمام رده ها دارد، می تواند بدون استفاده از احتیاط محورهای دیگر، در هر نقطه که بخواهد حمله و پیشروی کند و ارتش نیز در وضعیت موجود به تنهایی توانایی دفاع از خطوط پدافندی را ندارد. به همین دلیل پیشنهاد دادند تا به طور کلی، ارتش از آفند کنار گذاشته شود و با به کارگیری تمام نیروهای مانوری و غیره به پدافند پردازد و سپاه نیز نیروهایی را در اختیار ارتش قرار دهد تا از آنها به صورت گردانهای احتیاط متحرک استفاده کند. در جلسه ستاد خاتم با حضور آقای هاشمی رفسنجانی و فرماندهان سپاه و ارتش، سرهنگ صیاد شیرازی، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش، این پیشنهاد را به نحو زیر مطرح کرد:

«هر جا که سپاه خط پدافندی دارد به این دلیل است که اهدافی (برای انجام عملیات) دارد؛ بنابراین، بیاییم از بالا (غرب) تا پایین (جنوب) ببینیم سپاه واقعاً کجاها اهدافی دارد، خودش مسئولیت پدافند آنها را بر عهده گیرد، اگر کمکی هم از نیروی زمینی (ارتش) خواست به آن بدهیم و جایی که برنامه عملیاتی ندارد به نیروی زمینی (ارتش) واگذار کند. کمک سپاه هم به نیروی زمینی در اختیار گذاشتن نیروی احتیاط متحرکی است که در مناطق باید باشد».^{۱۲}

افزون بر اینها، مسئولان ارتش، موضوع کمبود امکانات و نیرو و ضعف ارتش را مطرح و آمارهایی از توپخانه و دیگر امکانات مورد لزوم را برای حفظ خطوط پدافندی ارائه کردند. سرهنگ موسوی خطاب به آقای هاشمی اظهار کرد: «حاج آقا برای اینکه خطوط پدافندی حفظ شود، دست کم، پنجاه گردان نیرو خارج از نیروی زمینی باید به اضافه ۴۸ گردان توپخانه (در حال حاضر ۴۶ گردان آن را داریم) می خواهیم تا با اطمینان صد در صد بشود تمام خطوط را حفظ کرد، یعنی دقیقاً، کیلومتری حساب کردیم».^{۱۳}

آقای هاشمی رفسنجانی پس از شنیدن پیشنهادها و

«شهرانی و مهران خیلی حساس است، قاسم سلیمانی و قالیباف (فرماندهان لشکر ۴۱ ثارالله و لشکر ۵ نصر) در آنجا فعال شوند، قاسم سه گردان نیرو به شهرانی و قالیباف هم یک گردان چهارصد نفره (که به آنجا خوب توجه است) را به مهران ببرد».^{۱۶}

با ادامه حملات دشمن، مسئولان سپاه افزون بر آن

در جریان عملیات کربلای ۱ در منطقه مهران ۱۹ تیپ عراق بیش از ۵۰ درصد منهدم شده و حدود ۳۴۰۰ نفر از نیروهای آن مفقود و اسیر شدند

چاره‌هایی برای مقابله با این تهاجمات می‌اندیشیدند، طرح‌هایی را ارائه می‌دادند که بتواند در دراز مدت، مسائل جنگ، کمبود توان در مقابل دشمن و مشکل انفعال را حل کند. گسترش سازمان رزم، ایجاد قرارگاه‌های فرعی (پدافندی) در سراسر مرز، تلاش برای عملیات آفندی و ارزیابی توان دشمن از جمله طرح‌های مزبور بود. فرمانده کل سپاه در سمینار فرماندهان قرارگاه‌ها و یگانها و دیگر مسئولان سپاه، لزوم گسترش سازمان رزم را به صورت زیر بیان می‌کند:

«این مسئله که هرچند توانمان کمتر باشد، باید کیفیتمان را افزایش دهیم، درست و منطقی است، اما اگر شما در کنار همان نیروهایی که در کردستان جنگیده و والفجر ۹ را پدید آوردند، والفجر ۱۰ را هم زمان با آن آغاز می‌کردید، عراقیها اصلاً کاری نمی‌توانستند بکنند. اگر یک والفجر ۱۰ در کنار آن درست می‌کردیم، دیگر رفته بودیم، حتی با نیروهایی ضعیف‌تر از والفجر ۹».

بدین ترتیب، مسئله گسترش نخستین نکته است، یعنی بتوانیم هم آفند و هم پدافند کنیم. نکته دوم اینکه برادران باید از حالت انفعال گذشته بیرون بیایند، در حال حاضر، باید دو جبهه بجنگید، اینکه عملیات کنیم و شش ماه دیگر بیاییم، درست نیست، باید نیروهایتان را نسبت به این طرحها، یعنی پدافند و هم آفند توجیه کنید تا توفقی پدید نیاید، شما هر کجا حمله آفندی کنید، موفق‌تر از همه جا خواهید بود؛ زیرا، همه جا سرشان (نیروهای دشمن) شلوغ است. سرهنگ

نظرهای مسئولان ارتش (در مورد ضعف ارتش، کمبود امکانات نیرو، حذف مأموریت‌های آفندی و لزوم گذاشتن تعدادی از گردانهای سپاه در اختیار ارتش) به نحو زیر مخالفت و ناراضی خود را ابراز کردند:

«این چیزهایی که شما می‌گویید، هیچ موقع این طور چیزها را نداشته و هیچ وقت امیدوار نبوده‌ایم که در آینده، به آنها برسیم. موضوع تازه‌ای که اتفاق نیفتاده، حالا مایک پیروزی به دست آورده‌ایم، که می‌خواهد بلایی برای ما بشود... اگر بخواهد این تحلیل‌های شما این طوری باشد، ما نمی‌توانیم جنگ را ادامه دهیم».^{۱۴}

سپاه

اخبار تهاجمات دشمن در حالی به قرارگاه خاتم می‌رسید که سپاه بی‌وقفه، به تثبیت و تحکیم مواضع پدافندی خود در منطقه عملیاتی والفجر ۸ مشغول بود تا اطمینانی نسبی در حفظ منطقه حاصل شود و آزاد کردن نیروها و امکانات برای هر کار دیگر، امکان پذیر شود. به این علت، در مراحل آغازین تحرک دشمن، سپاه اقدام تعیین کننده‌ای انجام نداد. البته، امکان آن را نیز نداشت. در ادامه، با تشدید حملات دشمن و تجمع نیروهای آن در بعضی از نقاط حساس، مسئولان سپاه تصمیم گرفتند ضمن تسریع در تحکیم مواضع پدافندی منطقه، اقداماتی را نیز برای متوقف کردن حملات دشمن انجام دهند. حمله به دشمن، اولویت بندی نقاط پدافندی و تعیین احتیاط برای نقاط مهم از نخستین پیشنهادها بود. بیشتر فرماندهان معتقد بودند که آفند بهترین پدافند است؛ زیرا، تلفاتی که در پدافند متحمل می‌شویم، از تلفاتی که در آفند می‌دهیم، بیشتر است. از طرف دیگر، افتادن به موضع انفعال خطرهای متعددی را برای نیروها و جنگ به دنبال خواهد داشت. قائم مقام فرمانده کل سپاه در این مورد می‌گوید:

«عنصر منتظر در جنگ همیشه بازنده است زیرا، میدان و شرایط جنگ را طرف مقابل انتخاب و به وی تحمیل می‌کند».^{۱۵}

در عمل، چند تن از فرمانده یگانها به مناطق مورد نظر اعزام شدند تا با شناسایی و بررسی وضعیت دشمن و مواضع اشغال شده، اقدامات لازم را نسبت به آزاد سازی بعضی از آنها به عمل آورند. از طرف دیگر، فرماندهی سپاه می‌کوشید تا ضمن تثبیت منطقه فاو یگانهایی را برای اجرای این مأموریت و همچنین، انجام عملیات آفندی محدود، از این منطقه آزاد کند. افزون بر اینها، مسئله تقویت نقاط مهم پدافندی نیز مطرح بود. مشاور نظامی فرمانده کل سپاه (برادر رشید) پیشنهاد کرد:

برای شکست استراتژی دفاع متحرک عراق نیز مؤثر باشد، اما عملاً، موفقیتی کسب نشد.

به هر حال، تصمیم‌های مختلفی گرفته شد، اما اقدامات اساسی امکان‌پذیر نبود و با اوج‌گیری حملات دشمن در اردیبهشت ماه، ضرورتاً، غالب اقدامات، مقابله بعد از هجوم و برای متوقف کردن حمله دشمن بود که توان زیادی از ما گرفت. در همین زمینه، برادر محسن رضایی در جلسه با فرمانده و قائم مقام نیروی زمینی سپاه یادآور شد که در حال حاضر از نیروهایی که قرار است در عملیات محدود به کار گرفته شود، در خطوط پدافندی استفاده گردد.

بخش نامه مورخه ۱۳۶۵/۲/۲۰ قرارگاه خاتم الانبیا (ص) مشخص‌ترین تدابیر اعلام شده در این مورد است. قائم مقام فرماندهان قرارگاه خاتم الانبیا طی جلساتی با فرماندهان نیروی زمینی ارتش و سپاه در روزهای ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت ماه استراتژی جدید دشمن را بررسی و طی بخشنامه یاد شده، خطاب به فرماندهان نیروی زمینی سپاه و ارتش، ضمن بر شمردن اهداف دشمن از تحرکات اخیر چنین ابلاغ کرد: «فرماندهان ارتش و سپاه اسلام باید در مقابل حملات دشمن به اصول زیر توجه کنند:

۱) حفظ خونسردی و آرامش و جلوگیری از شتابزدگی؛
 ۲) توجیه، ترغیب و دعوت رزمندگان به مقاومت در خطوط پدافندی؛

۳) واکنش سریع و به موقع یگانهای احتیاط (که از پیش مشخص شده است) در محل پیش‌بینی شده و جلوگیری از کاربرد ناصحیح یگان در خطوط غیر محتمل؛

۴. توجه به اولویتهای تعیین شده خطوط پدافندی؛ منطقه عملیاتی والفجر ۸ (فاو) اولویت یکم، جزایر مجنون و پد خندق در هورالهویزه، اولویت دوم، منطقه عملیاتی محرم (ارتفاعات حمزین) و منطقه عملیاتی والفجر ۳، مهران و منطقه عملیاتی والفجر ۲ (حاج عمران) اولویت سوم است و دیگر مناطق عملیاتی در اولویت چهارم‌اند. در نتیجه، به کارگیری یگان احتیاط و میزان توجه با در نظر گرفتن اولویتهای مزبور است. بین آفند محدود و پدافند در مقابل دشمن، اولویت را برای تقویت خط پدافندی مورد تهاجم دشمن قرار دهید.

۵) تلاش برای حفظ توان آفندی و انجام عملیات بر طبق مأموریت‌های ابلاغ شده؛ و

۶) تناقض بین بندهای ۳ و ۵ در صورت وجود، از طریق بحث و بررسی و نتیجه‌گیری در قرارگاه مشترک قائم حل کنید و به قرارگاه خاتم پیشنهاد دهید تا مورد تصویب یا تدبیر جدید فرماندهی اعلام شود».

پناهنده عراقی می‌گفت: تحلیل ارتش عراق این است که نیروهای ایران پس از هر حمله، به یک سال بازسازی نیاز دارند و نمی‌توانند سریع حمله کنند؛ ما باید از این مسئله به عنوان غافل‌گیری استفاده و به دشمن حمله کنیم؛ بنابراین، سرعت بخشیدن از اصول مهم است».^{۱۷} همان‌گونه که پیش از این آمد، ضعف و کمبود اطلاعات از علل مهم شکستن خطوط خودی و در انفعال واقع شدن شمرده می‌شود و برای رفع آن تدابیری لازم است. در این مورد، فرمانده نیروی زمینی سپاه اعلام کرد:

«برای برخورد با این وضعیت باید میزان اطلاعات خود را از ارتش عراق بالا ببریم، حداقل کار مکانیکی که سریع می‌توان انجام داد، این است که در جایی که حضور نداریم، حضور یابیم. به همین دلیل، تصویب شده است که از شمالی‌ترین نقطه تا جنوبی‌ترین نقطه، قرارگاههای کوچک و جمع و جوری بزینم که سه قرارگاه نجف ۴، نجف ۳ و نجف ۲ در شمال زده شده و همچنین، از چنگوله تا جنگل عمقر یک قرارگاه است، از عمقر تا کوشک هم یک قرارگاه نصرت است. از کوشک تا خسروآباد هم باید یک قرارگاه بزینم و...».^{۱۸}

برادر شمشخانی در سمینار مسئولان، فرماندهان قرارگاههای و یگانهای نیروی زمینی پس از بیان این مطلب می‌گوید:

«به موازات این، باید حضور خود را در خطوط مقدم جبهه افزایش دهیم و بیش از اینکه دیگران برای ما تحلیل کنند و تلکس بفرستند، خودمان از وضعیت خط آگاه بشویم، برای این کار دستگاه اطلاعاتی ما باید در همه رده‌های قرارگاهی حضور قوی داشته باشد».^{۱۹}

حمله به دشمن در چند نقطه راه دیگری بود که برای جلوگیری از ادامه تهاجمات دشمن تصور می‌شد. برادر شمشخانی در این مورد پیشنهاد می‌کند:

«برای مقابله با دشمن از ده، پانزده نقطه به او حمله کنیم، به صورتی که یک یگان خط شکن و مانوری را پیش‌تاز کنیم. بدین ترتیب، دیگر ضرورت ندارد که یگانهای بعدی خیلی قوی باشند، اگر از ده، پانزده نقطه حمله کنیم، آیا از پانزده حرکت، ده حرکت موفق نیست؟ اگر پانزده لشکر و تیپ را آماده و در پانزده نقطه دشمن را درگیر کنیم، دشمن توان تصمیم‌گیری را از دست می‌دهد».^{۲۰}

کشانندن او به منطقه والفجر ۸ و زمین‌گیر کردن توان ارتش عراق در این منطقه نیز از جمله نظرها و پیشنهادها برای مقابله با استراتژی جدید دشمن، بود. تجمع نیروهای خودی برای پدافند از منطقه فاو و لزوم انجام عملیات برای ترمیم و بهبود خط کارخانه نمک چنین ذهنیتی را پدید آورد که شاید

شرح اجمالی تهاجمات دشمن و اقدامات خودی

اگر تهاجم دشمن به منطقه عملیاتی والفجر ۹ و (در ادامه آن) والفجر ۴ را پاتک دشمن در پاسخ به عملیات خودی محسوب کنیم، تحرکات دشمن موسوم به دفاع متحرک با تهاجم به منطقه دربندیخان در ۱۳۶۵/۱/۱۵ آغاز شد و ۴۲ روز بعد، با اشغال مجدد مهران که آخرین عملیات این سلسله تهاجمات است، پایان یافت، اما در واقع، پیروزی کربلای ۱ (۱۳۶۵/۴/۹) نقطه پایان این دوران است. چگونگی تهاجمات دشمن و اقدامات خودی طی فاصله زمانی یاد شده، به اجمال مرور می شود.

هجوم دشمن به منطقه چوارتا (منطقه عملیاتی والفجر ۹)

حرکت نیروهای دشمن در منطقه چوارتا با هجوم به ارتفاعات پرفرف کچل و ناصر در مورخه ۱۳۶۴/۱۲/۱۵ آغاز شد، در حالی که با هلی کوپتر پشتیبانی می شدند و با تانک منطقه را (از بلندیهای مجاور) زیر آتش داشتند. برادران تیپ ۵۷ ابوالفضل (سپاه) که روی این ارتفاعات مستقر بودند، حدود ۲۴ ساعت با دشمن مقابله کردند و مقاومت خوبی از خود نشان دادند، اما به دلیل سردی شدید هوا، نداشتن عقبه و نرسیدن پشتیبانی و امکانات، با دستور قرارگاه نجف عقب نشینی کردند.

به دنبال درخواستهای قبلی فرماندهی قرارگاه نجف و با پیش آمدن چنین وضعیتی، طی چند جلسه، فرماندهان نیروی زمینی سپاه و ارتش و قرارگاه نجف وضعیت این منطقه را بررسی کردند و قرار شد این منطقه کلاً تحویل نیروی زمینی ارتش شود؛ بنابراین، طی ابلاغیه ای، از تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۸ پدافند منطقه به عهده یگانهایی از تیپ ۵۵ هوایرد و لشکر ۷۷ گذاشته شد، ضمن اینکه چند گروهان هم از نیروهای سپاه در اختیار این یگانها قرار گرفت. هنوز جایجاییها کامل نشده بود که نیروهای دشمن در ادامه تحرکات قبلی خود در این منطقه، شب ۱۳۶۴/۱۲/۲۰ از سمت راست ارتفاعات پلنگ سور دست به حمله زده، آتش شدیدی روی مواضع نیروهای مستقر روی ارتفاعات اجرا کردند. این نیروها از قسمتی از مواضع عقب نشینی کردند، اما با آمدن نیروهای کمکی آنها به طرف ارتفاعات پیش رفتند. متوجه شدند که هیچ نیرویی از دشمن در آنجا مستقر نیست. در نتیجه، نیروهای لشکر ۷۷ به ارتفاعات بازگشتند و در نقاط قبلی مستقر شدند.

حمله اصلی دشمن از سه محور به منطقه چوارتا در شب ۱۳۶۴/۱۲/۲۳ صورت گرفت. نخست، در ساعت ۲۱:۰۰ به یال موبرا و سپس، به سمت راست و چپ ارتفاعات پلنگ سور هجوم آوردند.

محور یال موبرا: نیروهای دشمن در حالی که شعار می دادند و ظاهراً تکبیر نیز می گفته اند، با تجهیزات سبک به یال موبرا حمله کردند و بدون برخورد با مانعی جلو آمدند.^(۱) این یال با یک گردان از نیروهای ارتش، که یک گروهان از تیپ قدس (سپاه) را در اختیار داشت، پدافند می شد و یک گردان دیگر از ارتش نیز در احتیاط آن بوده است، اما به دلیل عدم حضور فرمانده گردان مسئول پدافند، بین دو گردان ارتش و همچنین، گروهان سپاه ارتباط و هماهنگی وجود نداشته است. در حمله دشمن به این یال، عده ای از برادران ارتش به خوبی مقاومت کردند و تعدادی نیز مفقود شدند، اما در نهایت، به دلیل فراگیر نبودن مقاومت، ناگزیر عقب نشینی کردند. برادران سپاه که در قسمت دیگر این یال مستقر بودند نیز، پس از صرف تمامی مهمات خود عقب نشینی کردند. در مجموع، پس از عقب نشینیهای نخستین، اوضاع جبهه خودی به هم ریخت و در شرایطی که برای فرماندهی قرارگاه و تیپ امکان هدایت نیروها نبود، دیگر نیروها نیز به تدریج از قله و یال موبرا عقب نشینی کردند و در پایین قله نزدیکی مقر تیپ، خاکریزی تشکیل داده و پشت آن مسقر شدند.

محور راست ارتفاعات پلنگ سور: حمله دشمن به این محور هم زمان با محور موبرا انجام شد. نیروهایی از تیپ ۵۵ و لشکر ۷۷ روی این ارتفاعات مستقر بودند، هنگام حمله دشمن، نیروهای تیپ ۵۵ مقاومت می کنند، اما نیروهای لشکر ۷۷ در اثر فشار دشمن عقب نشینی می نمایند.

محور چپ ارتفاعات پلنگ سور: هم زمان با دو محور مزبور نیروهای دشمن به سمت چپ ارتفاعات پلنگ سور نیز حمله کردند، در قسمتی که یک گروهان از تیپ شهید بروجردی مستقر بود، برادران با مقاومت و مقابله شدید، چهار بار نیروهای دشمن را عقب زدند. در قسمت دیگر این محور که نیروهای تیپ ۵۵ پدافند می کردند، یک گروهان از این تیپ به شدت مقاومت می کند، اما با شدت گرفتن آتش دشمن طبق دستور، این گروهان هم همانند دیگر یگانها عقب نشینی می کند. با خالی شدن پشت نیروهای تیپ شهید بروجردی و احتمال دور خوردن آنها از سوی دشمن، قرارگاه به آنها دستور عقب نشینی می دهد و بدین ترتیب، محور چپ ارتفاعات پلنگ سور به دست دشمن می افتد.

ارتفاعات ممی خلان: با سقوط ارتفاعات پلنگ سور و موبرا، احتمال دور زدن ارتفاعات ممی خلان از جانب دشمن پدید آمد، اما با وجود جاده ای که در دست نیروهای خودی بود، به نظر می رسد دشمن توان این کار را نداشته باشد، با این حال و نیز با توجه به این نکته نیروهای دشمن هنوز از ارتفاعات

(۱) جلوی خطوط پدافندی هیچگونه مانعی ایجاد نشده بود و دشمن تنها در یک قسمت، که به میدان مین برخورد کرد، متوقف شد و برگشت.

پلنگ سور کاملاً بالا نیامده بودند، قرارگاه نیروهای مستقر بر روی ارتفاعات ممی خلان دستور عقب نشینی داد.

تک دشمن به منطقه عمومی پنجوین (منطقه عملیاتی والفجر ۴)

پس از اینکه دشمن توانست با صرف توان کمی، موفقیت‌هایی را در منطقه والفجر ۹ به دست آورد، در شبانگاه ۱۳۶۴/۱۲/۲۹ با نیرویی حدود دو گروهان به منطقه پنجوین که در ادامه منطقه والفجر ۹ قرار دارد، حمله کرد و با ایجاد رخنه از ارتفاعات شاخ تاجر، جلو آمد و حدود دو سوم از ارتفاعات شیخ گزنشین را هم به اشغال خود درآورد. فرماندهی قرارگاه نجف ۳، با اطلاع از تحرکات دشمن در این منطقه، طی تماسی از فرماندهی لشکر ۲۸ خواست تا این ارتفاعات هرچه زودتر تأمین شود. آنها پاسخ دادند که آتش دشمن سبک شده است و مسئله خاصی نیست، اما چند ساعت بعد، از لشکر ۲۸ خبر می‌رسد که دشمن ارتفاعات شیخ گزنشین را اشغال کرده است.

به دنبال اشغال شیخ گزنشین، نیروهای دشمن در اوایل شب جمعه ۱۳۶۵/۱۷ به ارتفاعات میشلان، که در ادامه ارتفاعات شیخ گزنشین واقع است، از دو طرف حمله کردند. در نخستین لحظه‌های حمله دشمن، نیروهای تیپ ۵۵ هوایرد، که پدافند آنجا را به عهده داشتند، عقب نشینی کردند. با عقب نشینی این نیروها، نیروهای دشمن تمامی توان خود را متوجه مواضع یک گروهان از برادران تیپ امیرالمؤمنین کرد که در آنجا حضور داشتند. این برادران مقاومت سختی از خود نشان می‌دهند، طوری که بیست تن از آنان شهید و تعدادی مجروح شدند. در نهایت، با اصرار فرماندهی قرارگاه نجف ۳ ارتفاعات را تخلیه کردند و به عقب آمدند. بدین ترتیب، ارتفاعات میشلان و همچنین، ارتفاعات شیخ لطیف که زیر میشلان قرار داشت، به اشغال دشمن در آمد. با اشغال ارتفاعات مهم منطقه والفجر ۴ و والفجر چهار نیروهای دشمن بر این منطقه مسلط شدند و دشت پنجوین کاملاً زیر دید و تیر دشمن قرار گرفت.

تک دشمن به منطقه دربندیخان

هجوم دشمن به منطقه دربندیخان با اجرای آتش تهیه از ساعت ۱:۳۰ بامداد ۱۳۶۵/۱۵ و حمله به محور بیاروک در ساعت ۵:۳۰ بامداد، آغاز شد و با تصرف ارتفاعات مهم:

سورمر، شاخ شمیران، شاخ بردکان و قسمتی از یال بیاروک، طی دو روز عملیات، پایان یافت. دشمن برای حمله به این منطقه، که با سه گردان از نیروهای سپاه پدافند^(۱) می‌شد، حدود ده گردان پیاده، یک گردان تانک و یک گردان توپخانه را به کار گرفت، با خالی شدن یال بیاروک از نیروهای قلخانی^(۲) که بدون مقاومت عقب نشستند، دشمن توانست در نخستین وهله، این یال را تصرف کند و به راحتی گسترش پیدا کند. در محور شاخ شمیران نیز که تنها چهارده نفر نیروی خودی حضور داشتند برای مدتی مانع از پیشروی دشمن شدند، اما در نهایت، با ادامه فشارهای دشمن مقاومت‌های خودی خنثی و پس از دو روز عملیات نقاط مزبور به تصرف عراق درآمد. با استقرار نیروهای عراقی روی ارتفاعات سرکوب منطقه، نخست، راه نفوذ جمهوری اسلامی به عمق خاک عراق از این محور سد شد، دوم، موقعیت دید و تیر نیروهای خودی روی تأسیسات در بندیخان، جاده بغداد - سلیمانیه و... از بین رفت و سوم، راه بسته شده نفوذ و فعالیت ضد انقلاب در محور جوانرود و پاره باز شد.

مهم‌ترین دلایل موفقیت دشمن در این منطقه را می‌توان به شرح زیر ذکر کرد:

(۱) ضعف خودی به دلیل کمبود نیرو، امکانات و استفاده از نیروهای قلخانی در محور حساس منطقه (یال بیاروک)؛ و

(۲) قوت دشمن از نظر رعایت غافل‌گیری، داشتن اطلاعات کافی، امکان آتش پر حجم، استفاده از هلی‌کوپتر برای پشتیبانی.

در این عملیات، دشمن با تلفاتی نزدیک به هفتصد نفر (دو گردان از دشمن تا ۸۰ درصد منهدم شدند) توانست صد کیلومتر مربع زمین اشغال کند و از نیروهای خودی حدود پنجاه نفر شهید، شش نفر اسیر و سیصد نفر مجروح شدند.

تک دشمن به شرفانی و پیچ انگیزه

نیروهای دشمن در تاریخ ۱۳۶۵/۱۸ ضمن تک در منطقه شرفانی یکی از ارتفاعات مهم به نام تپه ۱۷۵ را که در اختیار لشکر ۵۸ بود، تصرف کردند. البته، هنگام حمله عراق، تنها یک سوم از این ارتفاعات در تصرف نیروهای خودی بود. با این حال، ارتفاع مزبور امکان دید خودی روی پل چم سری و دشت حمیرین را پدید آورده بود. در ادامه حمله مزبور، دشمن روز بعد (۱۳۶۵/۱۹)، به منطقه پیچ انگیزه حمله و پس از درگیری مختصری به ناچار، عقب نشینی کرد.

(۱) محور شاخ سورمر، شاخ شمیران و بردکان تا اول یال بیاروک با گردان انبیا از تیپ ۵۷ ابوالفضل پدافند می‌شد، با مأموریت نیروهای این گردان، نیروهای جدیدی که غالباً دانش آموز بودند جای‌گزین آنها شده بود. در یال بیاروک از زیر بردکان تا رودخانه سید کریم، گردان مقداد از قرارگاه شهید کاظمی مستقر بودند. این قرارگاه مسئولیت سازمان‌دهی نیروهای محلی قلخانی را به عهده داشت و مأموریت آن فقط مبارزه با ضد انقلاب داخلی بود، این نیروها فاقد سلاح سنگین بودند و روحیه و قدرت ایستادگی در چنین شرایطی را نداشتند. از ده کومه تا بروین خط خودی با یک گردان از نیروهای بومی جوانرود پدافند می‌شد:

(۲) نیروهای بومی و عشایری منطقه کرمانشاه می‌باشند.

هجوم دشمن به منطقه سومار

حمله دشمن به منطقه سومار در دو محور گهنه ریگ و گیسکه طی دو مرحله انجام گرفت.

محور گهنه ریگ: در حالی که باران شدیدی می بارید، دشمن پس از اجرای یک ساعته آتش تهیه، در ۳۰ دقیقه پس از نیمه شب ۱۳۶۵/۷/۲۲ به خطوط پدافندی خودی در ارتفاعات گهنه ریگ حمله کرد و تا اوایل صبح، تعدادی از تپه های این ارتفاعات را به تصرف خود درآورد. این محور با تیب سه^(۱) لشکر ۸۸ زرهی و سه گردان قدس پدافند می شد که در تک دشمن حدود پنجاه نفر از این نیروها به اسارت گرفته شدند. با تصمیم قرارگاه مشترک نجف ۲، قرار شد شب هنگام باریختن آتش تهیه سنگین به بازپسگیری تپه ها اقدام شود که به علت اقدام نکردن گروه توپخانه، این پاتک انجام نگرفت. از طرف دیگر، در شب دوم، دشمن باز با ریختن آتش و ادامه حمله، وضعیت خود را گسترش داد و ارتفاعات قلعه جوق را تصرف کرد. برای تقویت منطقه، دو گردان از نیروهای تیب نبی اکرم (ص) تا ظهر ۱۳۶۵/۷/۲۳ خود را به منطقه رساندند. زمانی که نیروها به پای کار رسیدند، با تک دشمن و آتش سنگین او روی ارتفاعات گهنه ریگ روبه رو شدند. با این حال، در اثر مقابله مناسب نیروهای خودی، دشمن به تخلیه و عقب نشینی از ۳ تپه متصرفی مجبور شد و تلاش او برای بازپسگیری این تپه ها در بعد از ظهر روز ۱۳۶۵/۷/۲۵ بی نتیجه ماند.

در مجموع، دشمن طی چهار روز درگیری در محور کهنه ریگ توانست تپه های اسماعیل خان و اورژانس، یال میان تنگ و پاسگاه دوله شریف را به تصرف درآورد، اما از روز سوم، به دلیل مقاومت و مقابله مناسب نیروهای خودی، از ادامه حمله و تصرف ارتفاع ۴۰۲ و کهنه ریگ ناامید شد. عدم مقاومت ابتدایی نیروهای گردانهای قدس، نبودن موانع سد کننده (مین، سیم خاردار) در خط پدافندی، نبود نیروی احتیاط و نبودن آتش مناسب در روزهای نخست، از عوامل شکست خط پدافندی و تصرف چند ارتفاع از سوی دشمن در این محور بودند. طی این حمله، تعداد ۱۹۰ نفر از نیروهای ارتش شهید، مجروح و ۱۹۲ نفر از آنها مفقودالایر شدند و ۲ نفر به اسارت درآمدند. همچنین، از برادران تیب نبی اکرم (ص) ۸۷ نفر شهید و ۴۰ نفر مجروح شدند.

محور گیسکه: پس از آرام شدن محور کهنه ریگ، دشمن در ساعت ۱:۰۰ بامداد ۱۳۶۵/۷/۲۶، پس از اجرای آتش سنگین و با نیرویی به استعداد دو گردان و یک گروهان، به ارتفاعات گیسکه حمله کرد. در اثر آتش تهیه دشمن، تمامی نیروهای تیب ۴۰ سراب که به روی گیسکه مستقر بودند، پیش از هرگونه درگیری و مقاومت عقب نشستند و بدین ترتیب، ارتفاعات مهم گیسکه به سادگی به دست دشمن افتاد.



(۱) استعداد این تیب ۲ گردان بود.

تک دشمن در منطقه سیدکان

در اوایل شب ۱۳۶۵/۲/۳، دو سرباز عراقی در منطقه سیدکان که در سی کیلومتری عمق خاک عراق قرار دارد، به نیروهای خودی پناهنده شدند و اطلاع دادند که نیروهای عراقی همان شب، ساعت ۳:۰۰ بامداد، به این منطقه حمله خواهند کرد. چند روز پیش از این نیز، بارزانیان نیروهای ایران را از تجمع نیروهای دشمن و قصد حمله آنها، مطلع کرده بودند. منطقه سیدکان با شش گردان از تیپهای ۱ و ۲ لشکر ۶۴ ارتش جمهوری اسلامی ایران پدافند می شد. در ساعت ۳:۰۰ بامداد (۱۳۶۵/۲/۴) هجوم دشمن به این منطقه با اجرای آتش توپخانه آغاز شد. بدین ترتیب، تا ساعت ۶:۰۰ صبح ۵۰ درصد از پایگاههای خودی سقوط کرد و نیروهای دیگر پایگاهها نیز عموماً بدون درگیری با دشمن، عقب نشینی کردند. تا ساعت ۱۱:۰۰ صبح، تنها قله بین لاتا در دست نیروهای خودی باقی مانده بود و سپاه برای تقویت مواضع خودی، گردانهای جندا... مهاباد و اشنویه را به منطقه اعزام کرد تا مانع از سقوط قله مزبور شوند. همچنین، به تیپ شهید بروجردی سپاه برای بازپسگیری مناطق اشغال شده، آماده باش داده شد. در حالی که این تیپ مشغول شناسایی بود و برای عملیات آماده می شد. ناگهان شایع گردید که دشمن قصد حمله به لولان را دارد.

نیروهای مستقر در آن، ارتفاع را تخلیه کردند و تنها تعدادی از برادران گردان جندا... روی قله بین لاتا به مقاومت پرداختند که هم از سوی دشمن و هم از سوی نیروهای خودی به خیال اینکه قله در دست دشمن است، زیر آتش قرار گرفتند. در این حمله، دشمن با استعداد اندک، حداکثر یک تیپ و تعدادی نیروهای محلی (جاش) با سلاحهای ساده و بدون پشتیبانی قوی و بدون هیچ تلفاتی ارتفاعات مهم منطقه از جمله بین لاتا، سر سول، گردشوان و لولان را تصرف کرد و در مجموع، با تصرف حدود ۲۵۰ کیلومتر مربع از زمینهای منطقه، راهکارها و معبرهای زیادی که به ویژه برای کار چریکی و جنگهای نامنظم مناسب بود، را مسدود کرد.

هجوم دشمن به جزیره جنوبی

خط پدافندی جزیره مجنون جنوبی از مهم ترین خطوط پدافندی خودی است که سه پد غربی، میانی و شرقی را شامل می شود. از اوایل بامداد روز ۱۳۶۵/۲/۶، دشمن اجرای آتش تهیه روی پدهای غربی و میانی را آغاز کرد. در ساعت ۳:۰۰، آتش توپخانه عراق تشدید شد و به دنبال آن، نیروهای دشمن در ساعت ۴:۰۰ بامداد، حرکت خود را به طرف مواضع نیروهای ایران آغاز کردند.

مسئولیت دفاع از پد میانی به عهده نیروهای تیپ یک لشکر ۹۲ بود که با تشدید آتش دشمن نیروهای ایرانی تا سه راهی تقاطع پد و جاده، یعنی در حدود دو کیلومتر عقب آمدند و نیروهای دشمن ۱ تا ۱۵ کیلومتر روی پد پیشروی کردند. به دنبال آن، دسته ای از نیروهای تیپ الغدیر در این پد به مقابله با دشمن پرداختند و در روز، تعدادی از آنها را به عقب نشینی وا داشتند. این تیپ (الغدیر) با وارد کردن تعدادی نیروی جدید و با کمک آتش توپخانه و تانک، از ساعت ۴:۰۰ بامداد روز بعد، پیشروی روی پد میانی را آغاز کرد و پس از عبور از میدان مین و سیم خاردار دشمن، تا نزدیک دومین سنگر قبلی خودی جلو رفت و بالاخره پشت میدان مین مواضع جدید را ایجاد و در آنجا مستقر شد؛ بنابراین، نیروهای خودی توانستند دشمن را به عقب نشینی وادار کنند. بدین ترتیب، در نهایت، تنها دو بیست متر از مواضع قبلی خودی در اشغال دشمن باقی ماند.

در پد غربی نیز، دشمن پس از اجرای آتش سنگین، از روبه رو و از پهلو تهاجم خود را با سه قایق، از داخل آب آغاز کرد. پدافند این پد به عهده تیپ الغدیر بود. نیروهای این تیپ در مقابل حمله دشمن چنان مقاومت کردند که عراق ضمن تحمل تعداد زیادی تلفات، موفق به اشغال مواضع خودی نشد و تنها ۱۵۰ متر از مواضع قبلی خود جلو تر آمد و فاصله نیروهای خودی و دشمن کمتر شد. در این حمله، نخست، دشمن از پهلو مواضع خودی (آب) موفق شد قایقهای خود را به سیل بند برساند، اما در نهایت، در این محور نیز، موفقیتی به دست نیاورد و با پنج تن کشته و اسیر، به اجبار با دو قایق فرار کرد.

در اوایل بامداد روز ۱۳۶۵/۲/۸، دشمن مجدداً به پدهای میانی و غربی حمله کرد. این حمله در پد میانی، از دو محور روبه رو و از پهلو با قایق انجام شد که در اثر مقاومت نیروهای تیپ الغدیر دشمن از روبه رو، موفقیتی به دست نیاورد و عقب رفت. در محور پهلو نیز، برادران غواص دو قایق دشمن را با نارنجک منهدم کردند و با فرار دیگر قایقهای دشمن حرکت عراق در این محور نیز شکست خورد. در پد غربی نیز، نیروهای دشمن قصد جلو آمدن داشت که رزمندگان تیپ الغدیر آنها را عقب راندند.

در ساعت ۳:۰۰ بامداد همان شب، دوباره، دشمن در پد میانی حمله دیگری را آغاز کرد و ضمن اجرای آتش حرکت خود را ادامه داد که با مقاومت و مقابله برادران الغدیر به اجبار، عقب نشینی کرد. در همین شب، غواصان این تیپ طی یک حرکت، سنگری را که دو شب پیش در پد میانی به دست

آن‌ها از بین رفت. در جریان این حمله، چهار گردان از نیروهای این تیپ وارد عمل شدند و توانستند به سرعت، به اهداف و مواضع قبلی دست یابند، اما به دلیل گستردگی منطقه و وجود نیروهای زیاد دشمن، موفق به الحاق نشدن و سرانجام، به علت وجود دو رخنه دشمن که نیروهای خودی را تهدید می‌کرد، فرمانده این تیپ به نیروها دستور عقب نشینی داد. در نتیجه این عملیات، تعداد زیادی از نیروها و امکانات دشمن منهدم شد و در نهایت، از پیشروی دشمن جلوگیری به عمل آمد. در این عملیات، تیپ سیدالشهدا (ع) حدود هفتاد تن شهید و سیصد تن مجروح را متحمل شد.

در نهایت، دشمن به علت نرسیدن به اهداف تعیین شده در این منطقه و منطقه پیچ انگیزه، نامناسب بودن خط جدید متصرفی و لزوم صرف نیروی زیاد، از مناطق تصرف شده در فکه طی حمله روز ۱۳۶۵/۲/۱۰، عقب نشینی کرد و به قسمتی از اهداف خود، یعنی بهره برداری سیاسی و تبلیغاتی (گرفتن و نشان دادن اسیران، غنیمتها و...) بسنده کرد.

تک دشمن در منطقه پیچ انگیزه

بعد از ظهر روز ۱۳۶۵/۲/۱۸، دشمن در محور فکه، با تحرکات زیادی تظاهر به تک کرد، اما تک اصلی در منطقه پیچ انگیزه بود، در ساعت ۴:۳۰ بامداد ۱۳۶۵/۲/۱۹، نیروهای عراقی در منطقه پیچ انگیزه، به محور بجلیه، یعنی خط پدافندی تیپ ۳ لشکر ۱۶ (ارتش) حمله کردند و حرکت خود را به طرف پاسگاه رباط و خط پدافندی تیپ ۲ این لشکر، ادامه دادند.

با اجرای آتش توپخانه و آغاز تک دشمن نیروهای پدافند کننده عقب نشینی می‌کنند. اوایل روز ۱۳۶۵/۲/۱۹، سرهنگ جمالی، جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش، همراه چند تن از معاونان این نیرو به قرارگاه نیروی زمینی سپاه آمدند و از هجوم دشمن به منطقه پیچ انگیزه خبر دادند و از خطر محاصره نیروهای یکی از تیپهای پدافند کننده و احتمال دست یابی دشمن به جاده کنار رودخانه دویرج، به شدت ابراز نگرانی کردند. بدین ترتیب، فرمانده کل سپاه و مسئولان نیروی زمینی سپاه برای سد پیشروی دشمن اقداماتی را آغاز کردند؛ بنابراین، به تیپ سیدالشهدا (ع) و لشکر علی ابن ابی طالب (ع) که احتیاط کلی منطقه بودند، دستور حرکت داده شد. با رسیدن یک گروهان از تیپ سیدالشهدا (ع) در ساعت ۸:۱۵ صبح، محور شرفانی حفظ و با رسیدن دومین گروهان از نیروهای این تیپ در ساعت ۱۰:۰۰ صبح، خط تیپ ۳ ترمیم شد و حدود دوازده تانک از دشمن از بین رفتند و چند نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. به دنبال ترمیم خط

نیروهای دشمن افتاده بود، منهدم کردند. برای بار سوم، نیروهای عراقی در اواخر همین شب، حمله دیگری را در پد میانی آغاز کردند که نیروهای الغدیر به کمک نیروها و تجهیزات ارتش به مقابله برخاستند و نیروهای دشمن را به عقب نشینی واداشتند. مسئولان قرارگاه نصرت با توجه به تحرکات دشمن و شواهد موجود در این منطقه و اطلاعات به دست آمده از اسیران معتقد بودند که در این منطقه، دشمن قصد هجوم گسترده‌ای را دارد؛ بنابراین، آن‌ها لزوم تقویت خط را یادآور شدند و بر کار مهندسی، به ویژه روی پدها تأکید می‌کردند. طبق اظهارات اسیران، دشمن، به هر تیپ از لشکر ۳۱ خود، مأموریت بازپسگیری یک پد را داده است.

پس از ده روز، دشمن بار دیگر در اواخر شب ۱۳۶۵/۲/۱۸، در سه نقطه از هور، یعنی پدمیانی، پد غربی جزیره جنوبی و نهر الکساره به تک اقدام کرد که با مقابله نیروهای سپاهی مستقر در این منطقه روبه‌رو شد و چندین قایقش منهدم و تعدادی از افرادش کشته و اسیر شدند و این حملات عراق نیز دفع گردید.

هجوم دشمن به فکه

ساعت ۵:۰۰ صبح روز ۱۳۶۵/۲/۱۰، دشمن با اجرای آتش تهیه بسیار سنگین، هجوم به منطقه فکه را آغاز کرد و پس از ساعتی، از خاکریز خود، که در فاصله ۵ کیلومتری خط اول پدافندی خودی قرار داشت، حرکت کرد و حدود ساعت ۸:۰۰ صبح، در سه محور، در جبهه‌ای به طول ۲۰ تا ۲۵ کیلومتر به خاکریز نیروهای خودی رسید. خطوط خودی در هر سه محور شکسته شد و دشمن به خاکریز نیروهای خودی وارد و تا ساعت ۱۱ صبح به پیشروی خود ادامه داد و طی سه ساعت بیش از هفت کیلومتر پیشروی کرد. در این حمله، تعدادی از نیروهای ایرانی اسیر شدند و تلویزیون بغداد آن‌ها را به معرض نمایش گذاشت. افزون بر آن، تعداد زیادی تانک و نفربر و امکانات تیپ ۱ زرهی لشکر ۱۶ نیز به غنیمت دشمن درآمد. حدود ظهر همین روز، خبر حمله عراق در منطقه فکه به قرارگاه نیروی زمینی سپاه رسید و فرمانده نیروی زمینی سپاه برای جلوگیری از پیشروی دشمن و بازپسگیری مناطق اشغالی تیپ سیدالشهدا (ع) را به منطقه اعزام و ارسال برخی از امکانات را آغاز کرد. پس از تهیه طرح حمله، در شب ۱۳۶۵/۲/۱۳، تیپ ۱۰ سیدالشهدا (ع) با هفت گردان نیرو، یک گردان تانک و یک گردان ضد زره به دشمن حمله کرد. با توجه به تجمع بیش از حد نیروهای دشمن در منطقه^(۱) و غافل‌گیری آنها، دشمن تلفات بسیاری را متحمل شد و امکانات زیادی از

(۱) بعدها معلوم شد که در این زمان، شش تیپ دشمن در منطقه مزبور گرد آمده بودند.

اشغالی^(۱) وارد عمل شد و پس از بررسی‌هایی، که از دشمن و منطقه عملیاتی به عمل آمد، قرار شد لشکر ولیعصر (عج) با شش گردان نیرو و لشکر فجر با چهار گردان نیرو^(۲) در محورهای اصلی عملیات اقدام کنند و هدف عملیات، یعنی خاکریز قبلی لشکر ۱۶ را تأمین کنند و در ضمن تیپ الغدیر و تیپ سیدالشهدا (ع) و لشکر حضرت رسول هر یک به استعداد دو گروهان نیرو و ادوات و زرهی برای تقویت آن وارد عمل شوند.

در ساعت ۲۳:۰۰ مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۳، عملیات در سه محور آغاز شد و در نخستین لحظه‌ها، نیروهای عمل کننده، خط دشمن را شکستند، در مواضع آنها، نفوذ کردند و در وضعیت مناسبی قرار گرفتند، اما به تدریج مشخص شد که برای دفع دشمن حاضر در منطقه، نیروی کیفی بیشتری لازم است و

بنا به اظهارات تعدادی از فرماندهان، سپاه برای مقابله با استراتژی دفاع متحرک عراق به حدود ۲۸۰ گردان نیرو نیاز داشت، این در حالی بود که توان نیروی انسانی آن از ۱۳۰ گردان فراتر نمی‌رفت

بدون حضور قبلی و شناسایی مواضع دشمن امکان موفقیت کمتر است. در واقع، آنها در وضعیتی بودند که پاک‌سازی کامل منطقه و الحاق امکان پذیر نبود؛ بنابراین، با قطعی شدن عدم توفیق نیروهای خودی در پاک‌سازی کامل و الحاق، دستور عقب‌نشینی داده نشد. در نتیجه این عملیات، پانزده دستگاه تانک و نفربر عراقی منهدم و چهارصد نفر از افراد دشمن کشته و مجروح شدند، هر چند در مجموع، تلفات و خسارات نیروهای خودی هم کمتر از تلفات دشمن نبود.

هجوم دشمن به منطقه حاج عمران

از آنجا که براساس شواهد به دست آمده در اربعه‌هشت ماه سال ۱۳۶۵، دشمن خود را برای حمله در منطقه حاج عمران آماده می‌کرد، نیروهای خودی، تدابیر پیش‌گیرانه‌ای را در این منطقه، که با تیپ ۴ لشکر ۶۴ پدافند می‌شد، انجام دادند.

تیپ ۳، تیپ ۲ اعلام کرد فشار سنگینی روی آنهاست و دشمن از خط ژاندارمری و گردان قدس و گردان ۱۲۵ به طرف پاسگاه ربوط در حرکت است و گردان ۱۱۴ از تیپ ۲ لشکر ۱۶ در حالی که گردانهای هم‌جوار آن عقب‌نشینی کرده‌اند، همچنان، به مقاومت ادامه می‌دهد، این در حالی بود که نفربرهای دشمن از تپه‌ها مهورها بالا آمده بودند و دشمن آتش مختصر و پراکنده‌ای را اجرا می‌کرد. بدین ترتیب، سازمان تیپ ۲ به هم ریخته بود، فرمانده گردان ۱۱۴، معاون و تعدادی از افسران آن شهید شده بودند و فرماندهان دیگر گردانها به دستورات فرمانده تیپ چندان توجهی نداشتند؛ توپخانه تحت امر این تیپ چند لحظه پس از شکسته شدن خط، بدون اطلاع عقب‌نشینی کرده بود و پس از شکست خط، تقریباً هیچ آتشی علیه دشمن به کار گرفته نمی‌شد، با افزایش فشار و پیشروی دشمن، فرمانده لشکر ۱۶ برای جلوگیری از محاصره شدن و به اسارت درآمدن نیروهای گردان ۱۱۴ که همچنان، مقاومت می‌کردند، به این گردان دستور عقب‌نشینی داد.

نیروهای لشکر علی ابن ابی طالب (ع) که با دریافت دستور، حرکت خود را آغاز کرده بودند، نزدیک ظهر، به حدود پل یازینب (یکی از دو پل مهم منطقه) رسیدند. در همین زمان، نیروهای دشمن نیز به نزدیکی پل یازهر (پل مهم دیگر منطقه) رسیده بودند. با استقرار نیروهای لشکر علی ابن ابی طالب (ع) روی تپه‌ها مهورها و شلیک آربی. جی‌ها به طرف دشمن و آغاز فعالیت تانکهای خودی، نیروهای دشمن با مشاهده نیروهای بسیجی و حرکت تانکها و با توجه به دست نیافتن به مواضع محکم پدافندی، در ساعت ۱۲:۵۰ به اجبار عقب‌نشینی کردند. به دنبال آن، نیروهای لشکر سیدالشهدا (ع) و لشکر علی ابن ابی طالب (ع) تا حد ممکن، جلو رفتند و با تشکیل خط پدافندی جدید، در آن، مستقر شدند، همچنین، یکی از گردانهای باقی مانده تیپ ۲ لشکر ۱۶ در این خط مستقر شد. با سد شدن پیشروی نیروهای عراق از سوی دو لشکر سیدالشهدا (ع) و علی ابن ابی طالب (ع)، دشمن از رسیدن به هدف مهم خود، یعنی دست‌یابی به سلسله جبال حمرین مأیوس شد. طبق اسناد به دست آمده از نیروهای دشمن، سپاه چهارم عراق مأموریت یافته بود این سلسله ارتفاعات (حمرین) را اشغال کند، خط الرأس جغرافیایی جبال حمرین مرز مشترک ایران و عراق است و هر نیرویی که روی آن مستقر شود، منطقه خاک عراق را زیر سلطه دید و تیر خود دارد.

پس از مشخص شدن اهداف دشمن در حمله مزبور، نیروی زمینی سپاه برای مقابله با دشمن و بازپسگیری منطقه

(۱) در این حمله، دشمن زمینی را به عرض ۱۲ کیلومتر و عمق ۳-۲/۵ کیلومتر اشغال کرد.

(۲) به علت صرف یک گردان از هر یک از دو لشکر مزبور در خط پدافندی، لشکر ولیعصر پنج گردان و لشکر فجر سه گردان را به عملیات وارد کردند.

در ساعت ۲:۵۵ با مدامد روز ۱۳۶۵/۲/۲۶، با هدف تصرف ارتفاع شهید صدر وارد عمل شد. این نیروها که با آتش توپخانه و تانک پشتیبانی می شدند، حدود بیست دقیقه پس از آغاز عملیات موفق شد ارتفاع شهید صدر را تصرف کند، اما آتش شدید دشمن، نرسیدن مهمات کافی، نرسیدن نیروی کمکی و روشن شدن هوا باعث شد تا برادران نتوانند روی این ارتفاع دوام بیاورند و مواضع خود را تثبیت کنند؛ بنابراین، در ساعت ۴:۳۰ اعلام شد که نیروهای خودی مواضع تصرف شده را به سمت عقب ترک کرده اند. پس از این اقدام، تیپ شهدا مأمور تصرف ارتفاع ۲۵۱۹ شد. بدین ترتیب، قائم مقام این تیپ با جمع آوری باقی مانده نیروهای بسیجی و کادرهای ستادی خود، یک گردان تشکیل داد (که عصاره نهایی این تیپ بود) و در ساعت ۱:۳۰ با مدامد روز ۱۳۶۵/۲/۲۹، با هدف تصرف ارتفاع ۲۵۱۹ از دو محور وارد عمل شد. در آغاز، نیروها با موفقیت پیشروی کردند. آنها در محور راست، هفتاد نفر و در محور چپ، چهل نفر از نیروهای دشمن را به اسارت خود در آوردند و در ادامه عملیات، تلاش زیادی برای الحاق دو محور و در نتیجه، تصرف ارتفاع ۲۵۱۹، صورت گرفت، اما در اثر روشن شدن هوا و آتش شدید دشمن نیروهای عمل کننده موفق به الحاق نشدند و عملیات ناموفق ماند. در این عملیات، یک گردان از تیپ ۵۷ ابو الفضل (ع) که در احتیاط نزدیک بود، بنا به نیاز، وارد عمل شد، اما بر اثر آتش سنگین توپخانه دشمن، ضرباتی بر آن وارد آمد و فرمانده این گردان به همراه سه فرمانده گروهان آن به شهادت رسیدند. در این مرحله از عملیات، به رغم عدم دست یابی به هدف، نیروهای خودی توانستند تلفات سنگینی را به دشمن وارد آورند و فرمانده تیپ ۴۳۳ پیاده همراه با تعداد زیادی از نیروهای عراقی کشته شدند و بیش از صد نفر از نیروهای دشمن به اسارت در آمدند.

پس از اینکه تیپ شهدا طی دوبار عملیات، نتوانست ارتفاع ۲۵۱۹ را پس بگیرد، تیپ ۵۷ ابو الفضل (ع) مأمور این کار شد. این تیپ از حدود نیمه شب ۱۳۶۵/۲/۲۹، از سه محور به ارتفاع ۲۵۱۹ حمله کرد و با موفقیتهایی که به دست آورد، توانست خود را به هدف نزدیک کند، اما آتش سنگین توپخانه تلفات زیادی به نیروهای عمل کننده وارد آورد و آتش یکی از تیربارهای دشمن مانع از الحاق محورها شد. تلاش رزمندگان برای انهدام تیر بارها به موفقیت نرسید. در نتیجه، باروشن شدن هوا فرماندهی تیپ ۵۷ به نیروها دستور داد که به مواضع قبلی خود برگردند.

در روز ۱۳۶۵/۳/۱، در حالی که تیپ ۵۷ آماده می شد تا با

بدین صورت که تیپ شهید بروجردی، تیپ ویژه شهدا و چند گردان جندالله، از یگانهای سپاه، مأمور تقویت این منطقه شدند. دشمن از نخستین دقیقه های روز با مدامد ۱۳۶۵/۲/۲۴، آتش تهیه سنگینی را روی ارتفاعات شهید صدر، تپه شهدا، ۲۵۱۹، کدو و سرسول اجرا و در ساعت ۵:۰۰ با مدامد، هجوم خود را آغاز کرد. با وجود آتش سنگین و فشار زیاد نیروهای دشمن، استقامت بی نظیر نیروهای مستقر در خط، افزون بر اینکه مانع از نفوذ گسترده دشمن در نخستین ساعت های درگیری شد، تلفات زیادی را نیز به دشمن وارد آورد. دشمن با اجرای آتش سنگین و وارد کردن نیرو و پشتیبانی از طریق هلی کوپتر و هلی برن نیرو می کوشید عملیات را ادامه دهد و به رغم تلفات وارد شده، منطقه مورد نظر را تصرف کند؛ از این رو، با وجود آنکه تنها در دو روز نخست عملیات، در اثر

مطابق با پیش بینی فرماندهان سپاه، توانایی ارتش عراق در جریان استراتژی دفاع متحرک، انجام چهار عملیات محدود در یک ماه با نیرویی در حدود ۸ تا ۱۰ گردان و یا انجام ماهانه یک عملیات نیمه وسیع با نیرویی در حدود ۳۰ گردان بود

اجرای آتش خودی ۱۷ فروند هلی کوپتر حامل نیرو و امکانات دشمن سقوط کرد، اما عراق همچنان، به ادامه تک و تقویت نیروهایش پافشاری می کرد و در نهایت، در روز نخست، دشمن موفق به تصرف ارتفاعات ۲۴۳۵ (شهید صدر) و ۲۵۱۹ (گردمند) شد.

به دنبال تصرف این دو ارتفاع قرارگاه نجف اقدامات متعددی را برای بازپسگیری آنها انجام داد. در نخستین ساعت های با مدامد روز ۱۳۶۵/۲/۲۵، (شب دوم عملیات)، تیپ شهدا روی ارتفاع ۲۵۱۹ و تیپ شهید بروجردی روی ارتفاع شهید صدر وارد عمل شد و با وجود تحمیل تلفات و ضایعات سنگین به دشمن، نتوانست ارتفاعات مزبور را باز پس بگیرد. تلاش برای بازپسگیری این ارتفاعات شب بعد نیز تکرار شد. در این شب، تیپ شهید بروجردی که دیگر نیروی رزمی در اختیار نداشت، بار دیگر با به کار گرفتن گردان جندالله... خوی

اتکا به استقرار نیروهای خودی روی تپه شهدا به ارتفاع شهید صدر حمله کند، ناگهان، در ساعت ۶:۰۵ صبح، خبر رخنه دشمن بر روی تپه شهدا گزارش شد و به دنبال آن مشخص گردید که نیروهای خودی (شامل برادران ارتش و سپاه) پس از نه روز مقاومت ایثارگرانه بی نظیر به اجبار، تپه شهدا را تخلیه و به عقب بازگشته اند.

آزادسازی ارتفاع شهید صدر و پاتک دشمن

با استقرار نیروهای دشمن روی تپه شهدا راه کار آزادسازی ارتفاع شهید صدر مشکل تر شد. با وجود این، تیپ ۵۷ در ساعت ۲۰:۰۰ بامداد روز ۱۳۶۵/۳/۲۲، عملیات خود را برای بازپسگیری این ارتفاع آغاز کرد و پس از پانزده ساعت فعالیت، اعلام کرد که مواضع دشمن سقوط کرده و ارتفاع شهید صدر به تصرف نیروهای خودی درآمده است. در این حمله، بیش از هشتصد نفر از قوای دشمن کشته و زخمی و ۳۴ نفر اسیر شدند، اما بیش از دو ساعت از آزادسازی این ارتفاع مهم نگذشته بود که نیروهای دشمن با پشتیبانی آتش شدید توپخانه، فشار بر نیروهای خودی را شدت بخشیدند و مقاومت رزمندگان برای حفظ ارتفاع شهید صدر با ادامه و تشدید آتش سنگین و متمرکز دشمن شکسته شد و نیروهای خودی در ساعت ۱۴:۰۰ به اجبار، از این ارتفاع پایین آمدند که بلافاصله، نیروهای دشمن روی آن مستقر شدند

در مجموع، طی ده روز درگیری در منطقه حاج عمران، نیروهای خودی به دلیل آمادگی قبلی و با استقامت و مقاومت بی نظیر و تحمل ضایعات موفق شدند از نفوذ گسترده نیروهای دشمن و تسلط کامل آنها بر منطقه، جلوگیری کنند و تلفات سنگینی را به دشمن وارد کنند. دشمن نیز با استفاده از آتش سنگین، به کار گرفتن تعداد زیادی هلی کوپتر برای رساندن نیرو و امکانات و به کارگیری حجم گسترده آنها توانست ارتفاعات ۲۴۳۵ (شهید صدر)، ۲۵۱۹ و تپه شهدا را تصرف کند. طی این مدت، افزون بر نیروهایی که پیش از هجوم دشمن در منطقه مستقر بودند، تیپ ۵۷ ابوالفضل، تیپ قدس و چند گردان جندالله سپاه و چند گردان از تیپ ۳ لشکر ۶۴ ارتش نیز برای تقویت به منطقه وارد شدند و به مقابله با دشمن پرداختند. طبق آمارهای ده روز نخست عملیات، از برادران سپاه دست کم، ۲۸۱ نفر شهید و ۳۵۲ نفر مفقود الاثر و از برادران ارتش ۱۵۳ نفر شهید و ۱۵۰ نفر مفقود الاثر شدند که مفقود الاثرها غالباً، شهیدان به جا مانده بودند. در این هجوم، دشمن حدود ۲۶ گردان پیاده و امکانات بسیار زیادی را به کار گرفت و طبق برآوردها حدود، سه هزار نفر تلفات داشت. در

این منطقه، برخلاف موارد قبلی بین ارتش و سپاه هماهنگی بسیار خوبی وجود داشت و نیروهای ادغامی آنها در خطوط پدافندی به خوبی عمل کردند. تلاشهای تیپ ۴ لشکر ۶۴ ارتش در این درگیریها چشم گیر بود و آنها پایه پای نیروهای سپاه در مقابل هجوم دشمن مقاومت کردند.

هجوم دشمن به مهران (۱۳۶۵/۲/۲۷)

هجوم دشمن به مهران نقطه اوج این سلسله از تحرکات رژیم عراق بود. با موفقیتی که دشمن در این حمله به دست آورد، جرئت یافت اتخاذ استراتژی جدید دفاع متحرک را رسماً اعلام کند. عراق در تبلیغات خود می کوشید این پیروزی را همانند پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات والفجر ۸ قلمداد کند؛ از این رو، مدعی بود تنها در مقابل عقب نشینی جمهوری اسلامی از مناطق اشغال شده عراق و مشخصاً فو مهران را باز پس خواهد داد. به هنگام هجوم عراق به منطقه مهران، لشکر ۶۴ خرم آباد و تیپ ۴ لشکر ۲۱ حمزه در مجموع با نیرویی به استعداد ۶ گردان پیاده و ۲ گردان زرهی پدافند از این منطقه رابر عهده داشتند، سپاه پس از مشاهده شواهدی از تک عراق، دو گردان از تیپهای امیرالمؤمنین (ع) و مسلم بن عقیل را به عنوان احتیاط نزدیک در تنگه گنجانچم و بیش از یک گردان از نیروهای لشکر نصر را به عنوان احتیاط دور در ایلام مستقر کرد. در ساعت ۱:۰۰ بامداد روز ۱۳۶۵/۲/۲۷، دشمن هجوم خود را با اجرای آتش تهیه سنگین از دو محور ارتفاعات قلاویزان و منطقه نمه کلان بو آغاز کرد و به دلیل آماده نبودن نیروهای پدافندکننده به سرعت پیشروی و شهر مهران، آبادیهای اطراف، تعدادی از ارتفاعات و جاده ها را اشغال کرد. پس از آغاز حمله دشمن، افزون بر تیپهای مسلم بن عقیل و امیرالمؤمنین (ع) و لشکر نصر، که در احتیاط منطقه بودند و در روز ۱۳۶۵/۲/۲۸ در منطقه نمه کلان بو با دشمن درگیر شدند، سپاه یگانهای جدیدی را نیز به منطقه وارد کرد. یگانهای سپاه به همراه برخی از یگانهای ارتشی پس از چند روز نبرد موفق شدند افزون بر سد کردن پیشروی دشمن، تعدادی از ارتفاعات منطقه را آزاد کنند. در مجموع، در این منطقه، دشمن در طی ده روز جنگ، نه تیپ پیاده و زرهی و مکانیزه و یک گردان کماندویی وارد عمل کرد و با پشت سر گذاشتن شهر مهران و تصرف ارتفاعات قلاویزان و تپه های غلامی و باغ کشاورزی، تا پشت جاده کمربندی مهران، یعنی تا بیست کیلومتری عمق خاک جمهوری اسلامی ایران، پیشروی کرد و در آنجا، مستقر شد. طی هجوم دشمن، سپاه در مجموع، هجده گردان نیرو را وارد عمل کرد

که حرکت‌های عراق در قالب این استراتژی مدت بیشتری ادامه یابد، اما با ضربه‌ای کاری که در مهران به دشمن وارد شد، این استراتژی پایان یافت و در عمل، عراق آن را کنار گذاشت. با این حال، در همین مدت کوتاه، آثاری به جا گذاشت که مهم‌ترین آن به شکل زیر است:

الف) آثار منفی استراتژی دفاع متحرک عراق

۱) تعویق عملیات محدود: زمانی تهاجمات دشمن در قالب استراتژی دفاع متحرک آغاز شد و ادامه یافت که مسئولان نیروی زمینی سپاه مشغول طرح ریزی عملیات در مناطق سکوه‌های البکر و الامیه، بین اروند و جاده بهار در منطقه والفجر ۸، شاخ شمیران و سد دربندیخان و... بودند. حملات دشمن افزون بر اینکه فرصت ادامه طرح ریزی را از نیروهای

که طی این مدت، از برادران سپاه ۷۰ نفر شهید، ۶۶۶ نفر مجروح، ۱۳۳ نفر مفقود و ۸ نفر اسیر شدند. همچنین، در جریان تک دشمن، از نیروهای ارتش حدود ۴۰۰ نفر اسیر، ۹۸ نفر مفقود، ۱۸۰ نفر مجروح و ۹ نفر شهید شدند که غالباً، به تیپ ۴ لشکر حمزه متعلق بودند. افزون بر آن، بیشتر تجهیزات و سلاح‌های سبک و سنگین، از جمله توپ‌های ۲۰۳ میلی متری و تعداد زیادی تانک و نفربر و خودروی یگانهای پدافند کننده به هنگام عقب نشینی به جای ماند و به دست دشمن افتاد. دشمن با فیلمبرداری از اسیران و غنیمتهای به دست آمده تبلیغات زیادی را انجام داد. در واقع، نمایشگاهی از غنیمتها تشکیل داد فیلم آن را از تلویزیون پخش کرد. همچنین، چندین بار اسیران را در حالات مختلف نشسته، در حال حرکت، سوار و پیاده شدن از ماشین به نمایش گذاشت.

با اجرای عملیات کربلای ۱،

جدا از آزادسازی شهر مهران و روستاهای اطراف آن،

شهرهای بدره و زرباطیه عراق زیر دید و تیر نیروهای ایران قرار گرفت

عملیات کربلای ۱ پایان استراتژی دفاع متحرک

اجرای موفقیت آمیز عملیات کربلای ۱ و بازپسگیری شهر مهران، نه تنها بر تمامی جنجالها و پیروزیهای نسبی سه ماهه دشمن خط بطلان کشید، بلکه روحیه نیروهای خودی را تقویت کرد و نتایج و آثار مثبتی در اردوگاه خودی برجا گذاشت. عملیات کربلای ۱ در ساعت ۲۳:۳۰ روز ۱۳۶۵/۴/۹ آغاز شد و طی ده روز جنگ در منطقه مهران، نیروهای اسلام موفق شدند شهر مهران و بیش از هشت روستای اطراف آن، ارتفاعات حساس و سرکوب قلاویزان و حمیرین، به ویژه بلندترین قله منطقه (۲۲۳)، جاده دهلران - مهران - ایلام و ۲ پاسگاه مرزی را آزاد کنند. افزون بر آن، عقبه‌های دشمن از جمله شهرهای بدره و زرباطیه زیر دید و تیر نیروهای اسلام قرار گرفت. در این عملیات، نوزده تیپ دشمن به طور متوسط، بیش از ۵۰ درصد منهدم شده و حدود ۳۴۰۰ نفر از نیروهای آن مفقود و اسیر شدند، از میزان بالای کشته شدگان دشمن آمار دقیقی در دست نیست. از مجموع نه یگان سپاه که در این عملیات شرکت داشتند، هفتصد نفر به شهادت رسیدند و حداکثر پنج نفر اسیر و مفقود شدند.

تأثیرات استراتژی دفاع متحرک

هر چند ارزیابیهای خودی از توان دشمن نشان دهنده این بود

خودی سلب کرد، بلکه نیروهایی را هم که به منظور انجام این عملیات در نظر گرفته شده بود، مشغول کرد. برای نمونه، هنگامی که برادر قالیباف، فرمانده لشکر نصر، برای آماده کردن زمینه عملیات به طرف منطقه دربندیخان در حرکت بود، به او خبر داده شد که دشمن به مهران حمله کرده است و باید نیروهایش را برای مقابله با دشمن در این منطقه به کارگیرد.

۲) تأثیر بر عملیات گسترده: پیش از آغاز استراتژی دفاع متحرک عراق، افزون بر طرح ریزی عملیات محدود، کار طرح ریزی عملیات گسترده نیز آغاز شده بود، اما با اوج گیری تهاجمات دشمن و اشتغال فرماندهی به این مسئله فرصت کمتری برای طرح ریزی عملیات گسترده اختصاص یافت.

۳) ایجاد اضطراب و انفعال: دشمن با اجرای استراتژی دفاع متحرک توانست، ما را برای چند ماه در حالت اضطراب و انفعال قرار دهد. به نحوی که هر لحظه نگران و منتظر حمله دشمن در یکی از مناطق بودیم، فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء، این دوره را بدترین وضعیت سال ۱۳۶۰ می‌داند.^{۲۱}

همچنین، فرمانده نیروی زمینی سپاه در جمع فرماندهان قرارگاهها و یگانهای سپاه در مورد این دوره می‌گوید: «از هنگامی که عراق این استراتژی را ترسیم کرده، برای هیچ یک از ماها خواب باقی نگذاشته است؛ چرا که همه مرتب زنگ

دشمن در شکست خطوط پدافندی و در انفعال قرار دادن ما، نخست، پذیرفتن لزوم گسترش سازمان و بالا بردن توان رزمی سپاه را در نزد مسئولان موجب شد، که از مدت‌ها پیش، فرمانده سپاه آن را مطرح می‌کرد. دوم آنکه، اقداماتی را برای برطرف کردن ضعف خطوط پدافندی، ضعف اطلاعاتی و این قبیل امور را باعث شد. سوم اینکه، بار دیگر لزوم به دست آوردن آمادگی مقابله با دشمن در چند منطقه را به طور هم‌زمان، یاد آور شد.

۳) پی بردن حامیان رژیم عراق به ناتوانی آفندی دشمن در زمین: دفاع متحرک عراق در حالی آغاز شد که دشمن ضربه سختی را در عملیات والفجر ۸ متحمل شده بود و خنثی سازی آثار شکست سیاسی نظامی این عملیات، از اهداف اصلی این استراتژی شمرده می‌شد، اما با ضربه دیگری که در عملیات کربلا (فتح مهران) به دشمن وارد شد، موفقیت‌های نخستین، نیز خنثی شد و حامیان رژیم عراق دریافتند که این رژیم در زمین نه توانایی پدافند کاملاً مطمئن دارد، نه توانایی آفند.

یادداشتها

۱. نوار جلسه ستاد خاتم، ۱۳۶۵/۷/۲۳.
۲. نوار جلسه ستاد خاتم، ۱۳۶۵/۷/۲۳.
۳. برادر محسن رضایی، جلسه ۱۳۶۵/۷/۲۲، نوار ۴۵.
۴. برادر شمخانی در جلسه ستاد خاتم (مجلس شورای اسلامی) تاریخ ۱۳۶۵/۳/۱، نوار ۱ خاتم.
۵. برادر باقری، تاریخ ۱۳۶۵/۳/۱، جلسه ق. خاتم، نوار ۲.
۶. جلسه ق. خاتم، تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱، نوار ۲.
۷. جلسه ق. خاتم، تاریخ ۱۳۶۵/۳/۱، نوار ۱.
۸. برادر شمخانی، تاریخ ۱۳۶۵/۷/۲۱، نوار جلسه ۴۱.
۹. برادر شمخانی، تاریخ ۱۳۶۵/۳/۲۳، نوار ۹۷.
۱۰. جلسه ستاد خاتم، ۱۳۶۵/۷/۲۳.
۱۱. برادر غلامپور، فرمانده سپاه یکم کربلا، دفتر چهارم، راوی خاتم.
۱۲. جلسه ستاد خاتم، ۱۳۶۵/۷/۱۹، نوار ۲.
۱۳. جلسه ستاد خاتم، ۱۳۶۵/۷/۲۳، نوار ۲۲.
۱۴. جلسه ستاد خاتم، ۱۳۶۵/۷/۲۳.
۱۵. برادر شمخانی، جلسه ق. خاتم (سپاه)، ۱۳۶۵/۷/۲۲، نوار ۹۲.
۱۶. برادر رشید علینور، ۱۳۶۵/۷/۲۸، نوار ۱۸.
۱۷. برادر محسن رضایی، ۱۳۶۵/۷/۲۱، نوار ۴۰.
۱۸. برادر شمخانی در جلسه با مسئولان نیروی زمینی و یگانهای رزمی مهندسی و توپخانه سپاه، مورخه ۱۳۶۵/۷/۲۱، نوار ۴۱.
۱۹. برادر شمخانی، ۱۳۶۵/۳/۲۳، نوار ۹۷.
۲۰. برادر شمخانی، ۱۳۶۵/۷/۲۷، نوار ۵۹.
۲۱. آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۵/۷/۲۳، نوار ۲ ستاد خاتم.
۲۲. برادر شمخانی، ۱۳۶۵/۷/۲۱، نوار ۴۱ نیروی زمینی.
۲۳. برادر شمخانی، ۱۳۶۵/۷/۲۳، نوار ۹۷، قرارگاه نیروی زمینی.
۲۴. مضمون صحبت برادر رحیم صفوی، ۱۳۶۵/۳/۲۳، نوار ۱۰۴، قرارگاه نیروی زمینی.

می‌زند چرا به ما نیرو نمی‌دهید در حالی که توان ما محدود است و ما مرتباً زنگ می‌زنیم که چی شد؟ عراق حمله کرد، حمله نکرد؟ اگر بخواهیم با این روند کار را ادامه دهیم، قطعاً بدانید که روزهای سخت‌تر و بدتری در انتظار ماست»^{۲۲}

برادر شمخانی برای مسئولان قرارگاهها و یگانهای سپاه وضعیتی را که با تهاجمات دشمن در آن قرار گرفته ایم، چنین ترسیم می‌کند:

«مجموعه اقدامات دشمن توان تصمیم‌گیری را از ما سلب کرده است و اگر بخواهیم به این شکل ادامه دهیم، این مبنایی برای فعال شدن دشمن و منفعل شدن ما می‌شود». در بین فرماندهان سپاه، بیشترین نگرانیها در مورد منطقه والفجر ۸ دیده می‌شد و غالب نظرها بر این بود که دشمن قصد فریب دارد و با این تهاجمات می‌کوشد توان ما را کاهش و مواضع خودی در منطقه فاو را سست کند تا در موقع مناسب، به این منطقه حمله کند. این موضوع در تمامی تصمیم‌گیریها مدنظر قرار می‌گرفت. جانشین نیروی زمینی سپاه در جلسه بحث طرح مانور عملیات بازپسگیری مهران، نگرانی خود را چنین ابراز می‌کند:

«با توجه به افزایش توپخانه دشمن و سکوت او در منطقه فاو، موضوع احتمال حمله دشمن به فاو نگران کننده است و با توجه به تجمع ما در منطقه مهران و کاهش یگانها و نیروها در منطقه فاو، دشمن متوجه کاهش روابط بی‌سیم ما در این منطقه می‌باشد و این موضوع، که دشمن در این منطقه، هیچ افزایش نیرو نداده، نگرانی ما را تشدید کرده است، به ویژه اینکه مسئله فاو مسئله خیلی مهمی برای جمهوری اسلامی است. اگر ما عملیات مهران را آغاز کردیم و دشمن در فاو عملیات را شروع کرد، چه باید بکنیم؟ من از یگانها می‌پرسم اگر لازم شد به منطقه فاو بیایید چه مقدار وقت لازم است؟ می‌گویند: چهار روز».

ب) آثار مثبت استراتژی دفاع متحرک عراق

۱) آشکار شدن ضعف توان پدافندی در نزد مسئولان: آشکار شدن ضعف یگانهای پدافندی در برابر تهاجمات دشمن، مسئولان نظام را به تجدید نظر در چگونگی فرماندهی جنگ و ادار کرد. فرمانده نیروی زمینی ارتش تعویض و فرمانده کل سپاه به عنوان قائم مقام فرمانده کل جنگ (آقای هاشمی) انتخاب شد؛ موضوعی که نشانه‌ای از آشکار شدن ضرورت ایجاد تغییراتی در فرماندهی و مدیریت عالی جنگ در آن مقطع زمانی بود.

۲) پی بردن مسئولان به ضعف توان نظامی خودی: موفقیت